

## نگاه تحلیلی

# آمریکا باید از اسرائیل فاصله بگیرد

### برنامه تنبیه‌ها برای کشاندن واشنگتن به جنگ مستقیم با ایران



پل پیلار  
پژوهشگر مرکز مطالعات امنیتی  
دانشگاه جورج تاون

تازه‌ترین اقدام اسرائیل در تشدید خشونت‌ها در منطقه‌ای که همین حالا هم غرق در خشونت است، دولت بایدن را با یکی از بزرگترین چالش‌هایش مواجه کرده است تا ایالات متحده آمریکا را از جنگ جدیدی در خاورمیانه بیرون نگه دارد. بمباران یک مجموعه دیپلماتیک ایران توسط اسرائیل و کشتن یک فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تعدادی دیگر از مقام‌های ایرانی علاوه بر چهار شهروند سوری یک تشدید تنش حساب شده بود. علاوه بر اینکه این حمله مانند همه حملات پیشین اسرائیل، تعرض به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سوریه محسوب می‌شد، حمله به سفارت عملاً حمله مستقیم به خاک ایران تلقی می‌شد.

در برابر تیم حمله، مقام‌های ایرانی فشار زیادی احساس می‌کنند که با شدت واکنش نشان دهند. وقتی می‌توانیم میزان این فشار را ساده‌تر درک کنیم که فرض کنیم طرف‌های این ماجرا جبهه‌ها شوند. اگر ایران سفارتخانه اسرائیل یا ایالات متحده آمریکا را هدف قرار داده بود، چه سیاستمداران و چه افکار عمومی اسرائیلی و آمریکایی نه تنها انتظار واکنش خشونت‌آمیز و مرگبار داشتند، بلکه صراحتاً چنین مطالبه‌ای را مطرح می‌کردند. در ایران هم احساسات عمومی می‌تواند در چنین شرایطی نقش مشابهی بازی کند، همانگونه که جوش احساسات عمومی در پی ترور فرمانده سپاه قدس، قاسم سلیمانی، در یک حمله پیاپی آمریکا چهار سال پیش نشان داد. در چارچوبی حساب شده‌تر و غیراحساسی‌تر نیز معمولاً در توجیه یک واکنش خشونت‌آمیز از سوی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، استدلال ضرورت «احیای باز زندگی» را می‌شنویم. دقیقاً ایران هم می‌تواند همین محاسبات را در نظر بگیرد. یک روز بعد از این حمله، «آیت‌الله‌سیدعلی خامنه‌ای» رهبر معظم ایران، وعده انتقام داد و گفت: «[اسرائیل] مجازات خواهد شد». نمایندگی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز گفت که ایران حق خود را «برای پاسخ قاطع به اینگونه اقدامات تروریستی» محفوظ می‌داند.

مقام‌های ایرانی از جهت دیگری هم احساس فشار می‌کنند. مشارکت در یک جنگ جدید در چارچوب منافع ایران نیست و رهبران ایران خواهان چنین جنگی نیستند. دلایل آنها به عواملی مانند ضعف ارتش ایران نسبت به اسرائیل و ایالات متحده آمریکا و همچنین مشکلات عمیق اقتصادی کشور بازمی‌گردد. یکی از دلایل اصلی که تاکنون تنش‌های منطقه‌ای حول محور شرایط ترازیک نوار غزه هنوز بیش از آنکه تاکنون دیده‌ایم، تشدید نشده است، این است که ایران از شش ماه پیش که حماس به جنوب اسرائیل حمله کرد، از خود خویشتن‌داری نشان داده است. (حمله حماس، رهبران ایران را هم مانند هر کس دیگری غافل گیر کرده بود).

اما ایران نهایتاً به شکلی به حمله اسرائیل واکنش نشان خواهد داد. مشکل است که پیش‌بینی کنیم ایران کدام یک از گزینه‌های پیش‌روی خود را برای واکنش به این حمله استفاده خواهد کرد، چراکه تصمیم‌گیری رهبران ایران به همان اندازه مشکل است تا بتوانند ملاحظات متناقضی را برای رسیدن به تصمیم نهایی سبک و سنگین کنند. تنها چیزی که با اطمینان کامل می‌توان در مورد واکنش ایران گفت، این است که واکنش ایران در زمان و مکانی اتفاق خواهد افتاد که ایران انتخاب می‌کند.

چندین خط تحلیلی برای ارزیابی انگیزه اسرائیل در حمله به مجموعه سفارت ایران در دمشق می‌تواند در نظر گرفت. شاید اسرائیل این اقدام را یک عملیات دیگر در کارزار چندین ساله حملات هوایی علیه اهداف مرتبط با ایران در سوریه تلقی می‌کرد. نهادهای اطلاعاتی یک هدف را با فرصت آسیب زدن به افسران سپاه پاسداران در اختیار مقام‌ها قرار دادند و اسرائیل با کمال میل از این فرصت استفاده کرد. یا شاید بتوان این حمله را نمود دیگری از خشم ملی در اسرائیل تلقی کرد که از زمان حمله حماس در ماه اکتبر سال ۲۰۲۳ به مشخصه اسرائیل بدل شده است. این حمله می‌تواند همان حملات آسیب‌زا و بی‌ملاحظه باشد که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا ماه اکتبر سال گذشته در تماس با نتانیاهو نسبت به آنها به او هشدار داده بود و گفته بود که آمریکا «هول» درد و خشم» واردک می‌کند اما اسرائیل نباید «تحت سیطره» این خشم قرار بگیرد. بایدن توضیح داد که آمریکا «هم دچار اشتباهاتی» بر اثر خشم ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر شد. اشاره ضمنی بایدن به حمله آمریکا به عراق بود که هیچ نقشی در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر نداشت.

اما بمباران تأسیسات سفارت ایران در دمشق به وضوح

تشدید تنش و البته افزایش نقض‌های اسرائیل علیه حقوق جنگ بود که می‌توان به احتمال بسیار زیاد آن را ناشی از یک تصمیم حسابگرانه در بالاترین سطح دولت بنیامین نتانیاهو دانست. این محاسبات چندان ارتباطی به ایجاد ضربه کوچک که شاید در کوتاه‌مدت و به‌صورت ناچیز با مرگ افسران سپاه پاسداران ممکن بود به توانمندی‌های ایران وارد کند، ندارد. بلکه به نظر می‌رسد این اقدام بخشی از تلاش اسرائیل برای بیرون آمدن از وضعیتی باشد که در آن رسیدن به هدف اعلانی یعنی «لایود کردن حماس» دیگر در دسترس نیست، انزوای جهانی اسرائیل به دلیل اقداماتش در غزه غیرقابل انکار است و حتی حمایت‌های خودکار همیشگی آمریکا هم به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. تشدید و توسعه جنگ تا جایی که به این معنا باشد که جنگ تا ابد ادامه پیدا می‌کند، برای شخص نتانیاهو تنها امید برای فرار از مشکلات سیاسی و حقوقی اش است.

تشدید تنش به‌عنوان یک راهکار عامدانه از سوی اسرائیل برای بیرون کشیدن خود از بن‌بست غزه دو عنصر دارد. عنصر اصلی این است که ایران را تحریک کند که انتقام بگیرد که می‌تواند به اسرائیل اجازه بدهد خود را به جای مهاجم در جایگاه مدافع قرار دهد و گفت‌وگوهای جاری در افکار عمومی را از تخریبی که به غزه تحمیل می‌کند به سمت دفاع از خود در مقابل یک دشمن خارجی تغییر دهد. عنصر دیگر این است که این اقدام باعث می‌شود تا بخت مداخله مستقیم آمریکا برای مواجعه با ایران در جنگ افزایش پیدا کند. اگر چنین شود آنگاه جنگ خاورمیانه دیگر تنها با عنوان جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان مشاهده نمی‌شود، بلکه از آن پس بر قدرت حامی اسرائیل هم در این جنگ سهمی خواهد داشت. ایالات متحده آمریکا از دو طریق مختلف می‌تواند وارد جنگ بین اسرائیل و ایران شود. راه نخست از طریق مطالبات سیاست داخلی در آمریکا است که از واشنگتن می‌خواهد تا مستقیم‌تر برای حمایت «متحدان مان در اسرائیل» وقتی که تحت حمله ایران قرار دارند، وارد عمل شود. راه دیگر این است که عملیات انتقامی ایران علیه اسرائیل شامل اهداف آمریکایی هم شود. این سناریو از این جهت باورکردنی است که به‌رغم ضعف نظامی ایران نسبت به طرف مقابل، اگر قرار باشد نقش‌ها را جابه‌جا کنیم و فرض کنیم که آمریکا جای ایران باشد، احتمال چنین اقدامی باورپذیر بود. در ایالات متحده آمریکا هیچگاه لحظه‌ای برای محکوم کردن ایران به دلیل اقدامات گروه‌هایی که از ایران کمک دریافت می‌کنند، تعلل نمی‌کنیم. همانگونه که در مورد حمله حماس به اسرائیل، ایران مقصر تلقی شد، ایران همواره به‌عنوان مداخله‌گر در اقدامات مشتری‌نایش معرفی می‌شود. به همین دلیل هم هست که برای مثال می‌بینیم فردی مانند دیوید ایگناتیوس، در واشنگتن‌پست می‌نویسد: «اسرائیل کاملاً محق است که با حماس و حامیان مالی‌اش در ایران بجنگد.»

حامیان مالی اسرائیل در واشنگتن تاکنون بسیار بیشتر از آنچه ایران به حماس یا هر یک از دیگر دوستانش کمک کرده است، به اسرائیل واگذار کرده‌اند. این واقعیت را می‌توان در بیانیه نماینده ایران در شورای امنیت ملاحظه کرد که گفته بود: «ایالات متحده آمریکا نسبت به همه جنایاتی که توسط رژیم اسرائیل رخ می‌دهد، مسئول است.» این واقعیت را باید در کنار واقعیت دیگری در نظر گرفت که حمله اسرائیل به مجموعه سفارت ایران در دمشق، درست مانند با خاک یکسان کردن محلات غزه، با جنگنده‌های پیشرفته‌ای انجام می‌شود که ایالات متحده آمریکا در اختیار اسرائیل قرار داده است.

جنگ با ایران از جهت بسیاری به منافع ایالات متحده آمریکا آسیب می‌زند؛ از جمله آسیب‌های انسانی و مادی، اختلال در فعالیت‌های اقتصادی که بر امری اثر می‌گذارد، خشم گسترده در میان خارجی‌ها که باعث عملیات انتقامی مضاعف خواهد شد، از بین رفتن هر امیدی برای دیپلماسی نتیجه‌بخش و مهم‌تر از همه، پرت شدن حواس و کاهش توجه و منابع نسبت به نگرانی‌های اصلی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. اجتناب از چنین جنگی نه تنها نیازمند سیاستمداری حرفه‌ای در مواجهه تاکتیکی با بحران است بلکه نیازمند اقدام استراتژیک در آمریکا برای کاهش دادن سطح رابطه غریب با اسرائیل است که امروزه ایالات متحده را وارد چنین شرایط سخت و خطرناکی کرده است. ایالات متحده آمریکا باید از ذهنیت‌های پوسیده و کهنه در مورد اینکه چه کسی دوست است و چه کسی دشمن، فاصله بگیرد و به این توجه کند که چه کسی متجاوز است و چه کسی متجاوز نیست، با وجود اشارات دائمی به «جنگ سایه» بین ایران و اسرائیل به‌عنوان یک امر متعارف، بررسی مجموعه وقایع جنگ نشان می‌دهد که یک الگوی کاملاً غیرمتعارف وجود دارد که اسرائیل اغلب خشونت‌ها را علیه ایران آغاز کرده است و ایران در اکثر مواقع فقط واکنش نشان داده است. برای ایالات متحده آمریکا فاصله گرفتن از این الگو نه تنها در چارچوب منافع آمریکا است بلکه در چارچوب منافع صلح و امنیت در منطقه نیز هست.

## دیپلمات‌ها



### پیام مکتوب به آمریکا

محمد جمشیدی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور نوشت: جمهوری اسلامی ایران در پیامی مکتوب به آمریکا هشدار داد در دام تنبیه‌ها نیفتند؛ کنار بکش تا ضربه نخوری. در پاسخ، آمریکا از ایران درخواست کرد که اهداف آمریکایی را نزنند. او همچنین گفت که واشنگتن در پاسخ از ایران خواسته است که مواضع آمریکا مورد هدف قرار نگیرد.



### تهدید اسرائیل

مقامات اسرائیلی به آکسیوس می‌گویند، تل‌آویو به واشنگتن گفته است که اگر ایران به تلافی حمله دمشق در اوایل این هفته، از خاک خود حمله‌ای را انجام دهد، پاسخ قوی اسرائیل را به دنبال خواهد داشت و درگیری کنونی را به سطح دیگری می‌برد. مقامات اسرائیلی ادعا می‌کنند اطلاعاتی در اختیار دارند که نشان می‌دهد ایران ممکن است با استفاده از موشک‌های بالستیک دوربرد، موشک‌های کروز یا هواپیماهای بدون سرنشین از خاک خود به اسرائیل حمله کند. این موضوع در جریان تماس تلفنی گالانت، وزیر دفاع اسرائیل و وزیر دفاع ایالات متحده به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. ایالات متحده و مقامات اسرائیلی به آکسیوس گفتند که این دو در مورد چگونگی هماهنگی بهتر و آماده شدن برای سناریوهای تشدید تنش در نتیجه اقدام تلافی‌جویانه ایران گفت‌وگو کردند. کاخ سفید و پنتاگون از اظهار نظر خودداری کردند. ارتش اسرائیل و دفتر نخست‌وزیر اسرائیل نیز از اظهار نظر خودداری کردند. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند که اسرائیل حمله خود به سوریه را با دولت بایدن هماهنگ کرده است و اسرائیل به ایالات متحده یک اطلاعیه کلی داده؛ آن هم زمانی که جت‌های اسرائیلی در پرواز بودند و بدون ارائه جزئیات در مورد هدف. ایالات متحده آمریکا خود را از حمله اسرائیل دور کرد و به ایران گفت که «هیچ دخالتی» با اطلاع پیش از حمله نداشته است.



### حمله مستقیم به ایران؟

ارتش اسرائیل روز چهارشنبه اعلام کرد که سیستم‌های دفاع هوایی خود را تقویت کرده و نیروهای ذخیره را فراخوانده است، چراکه این دولت برای پاسخ بالقوه ایران به حمله اوایل هفته جاری در سوریه که در آن چندین مقام عالی‌رتبه نظامی ایران کشته شدند، خود را آماده می‌کند. گزارش خبری کانال ۱۲ در مورد گمانه‌زنی‌های اسرائیل درباره نحوه تلافی تهران، به این احتمال اشاره کرد که ایران ممکن است با پرتاب مستقیم موشک از خاک خود و نه از طریق گروه‌های نیابتی خود پاسخ دهد. آموس یادلین، رئیس سابق اطلاعات ارتش اسرائیل به این شبکه گفت: «من تعجب نخواهم کرد اگر ایران مستقیماً به سمت اسرائیل شلیک کند.» گزارش‌های رسانه‌های عبری‌زبان می‌گویند که تصمیم برای تقویت پدافند هوایی و فراخوان نیروها پس از ارزیابی تهدید اتخاذ شده است.



**کاهش حمایت‌های جهانی از اقدامات اسرائیل در غزه به‌خصوص پس از هدف قرار گرفتن چند امدادگر خارجی توسط اسرائیل، کاملاً در راستای منافع ایران است. بنابراین شاید عاقلانه‌ترین کار این باشد که ایران از تبدیل کردن خود به موضوع مناقشه، آن هم زمانی که تحولات در غزه به ضرر اسرائیل پیش می‌رود، خودداری کند. شاید بد نباشد ایران بیشتر به نظاره بنشیند تا تحولات غزه و ترکش‌هایش اثرات خود را بگذارد**

واقعیت است که کاهش حمایت بین‌المللی از اسرائیل و به‌طور خاص، درگرفتن بحث‌هایی در خصوص مشروط کردن کمک‌های آمریکا به اسرائیل در واشنگتن، موضع ایران و گروه‌های مورد حمایتش را تقویت کرده است. در اینجاست که اسرائیل احساس خطر کرده و دست به اقدامات عجیبی نظیر حمله به کنسولگری ایران در دمشق می‌زند. این اقدام اسرائیل است که می‌تواند روند تنش را تشدید کرده و سرعت دهد. با این وجود عاملی ساده موجب می‌شود که باور کنیم رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل بعید است و آن هم فاصله جغرافیایی دو طرف با هم است. این عامل علاوه بر خسی پارامترهای تهدیدآمیز دیگر جنگ پایدار و گسترده میان دو طرف را بعید می‌سازد. اسرائیل در غزه زمینگر شده و کابینه نتانیاهو در داخل با مخالفت‌های افکار عمومی مواجه است. از سوی دیگر حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن نیز مدام اسرائیل را به خود مشغول داشته‌اند.

ایران نیز همواره نشان داده که هیچ علاقه‌ای به ورود مستقیم به درگیری‌های منطقه‌ای ندارد. ایران تمایلی ندارد در یک جنگ دیگر وارد شود. از این جهت است که از گروه‌های مسلح هم‌فکر با خود در منطقه حمایت می‌کند چراکه خودش تمایلی به ورود به جنگ ندارد. از سوی دیگر ایران نیز در داخل با مشکلات اقتصادی روبه‌روست و وضعیت سیاست داخلی در ایران و همچنین وضعیت اجتماعی و افکار عمومی در کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات و آرامش است. واقعیت این است که کشور در شرایط فعلی تاب‌آوری ورود به یک درگیری مستقیم و همه‌جانبه را ندارد.

نکته دیگر که باید به آن توجه داشت، این است که کاهش حمایت‌های جهانی از اقدامات اسرائیل در غزه به‌خصوص پس از هدف قرار گرفتن چند امدادگر خارجی توسط اسرائیل، کاملاً در راستای منافع ایران است. بنابراین شاید عاقلانه‌ترین کار این باشد که ایران از تبدیل کردن خود به موضوع مناقشه، آن هم زمانی که تحولات در غزه به ضرر اسرائیل پیش می‌رود، خودداری کند. شاید بد نباشد ایران بیشتر به نظاره بنشیند تا تحولات غزه و ترکش‌هایش اثرات خود را بگذارد. یکی از اثرات این ترکش‌ها را می‌توان در ناآرامی‌های در جریان در اردن مشاهده کرد. اگر این ناآرامی‌ها گسترش یابد، اسرائیل از سمت شرق نیز با فشاری همه‌جانبه مواجه خواهد شد.

اما سوال مهم و اساسی این است که ایران چگونه می‌تواند برای برقراری مجدد بازدارندگی خود به این اقدام پاسخ دهد و در عین حال این پاسخ را بدون برهم زدن روندهای حیاتی است که البته کاری بسیار دشوار است. چراکه در حال حاضر ایران و اسرائیل در چند قدمی رویارویی گسترده هستند. در چنین شرایطی احتمال اشتباه محاسباتی بسیار زیاد است و اگر هر یک از طرفین بدون محاسبه دقیق دست به اقدامی بزنند، احتمال ورود کل خاورمیانه به درون یک گردباد ویران‌گر بسیار زیاد است.